

تأملی در نظریه سوءاستفاده از حق اختراع در نظام حقوقی آمریکا و ایران

ابراهیم رهبری *

سیدمحمدامین حسینی **

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۳۱ - تاریخ تأیید: ۹۷/۰۳/۲۹

DOI: 10.22096/law.2019.65138.1103

چکیده

یکی از دغدغه‌های مهم مراجع قانونی در مواجهه با اختراعات مسئله سوءاستفاده از حقوق اعطایی توسط قانون است. سوءاستفاده از حقوق اختراعات هنگامی رخ می‌دهد که مالکان حق اختراع، درصد بهره‌برداری از اختراع خود فراتر از مرزهای ترسیم شده قانونی برمی‌آیند که از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به فروش اجباری و گسترش بازه زمانی حق اختراع از طریق قراردادهای لیسانس اشاره نمود. نظام حقوق اختراعات آمریکا با ایجاد و توسعه نظریه‌ای مستقل با عنوان «سوءاستفاده از حق اختراع» همواره در پی مقابله با اقدامات مذکور بوده است. اگرچه در عمل این نظریه با قواعد حقوق رقابت ممزوج شده و در دوره‌هایی هویت و استقلال خود را از دست داده، اما با تحولات اخیر در رویه قضایی آمریکا هنوز به‌عنوان تدبیری اثرگذار در دعوی نقض اختراعات نقش خود را ایفا می‌کند. در حقوق ایران نظریه مزبور به‌طور صریح راهی به قوانین باز نکرده است، اما به‌طور موردی می‌توان نشانه‌هایی از مواجهه مقررات با رفتارهای سوءاستفاده‌آمیز از اختراعات را مشاهده کرد. با وجود این هویداست که نظام اختراعات کشورمان عنایتی به این نظریه نداشته و فرصت بهره‌گیری از مزایای آن را از دست داده است. این نوشتار می‌کوشد تا ضمن تبیین مفهوم، پیشینه تحولات نظریه سوءاستفاده از اختراعات و همچنین مصادیق آن در خاستگاه اصلی آن یعنی حقوق آمریکا و تحلیل دیدگاه‌های مطروحه در خصوص ابعاد پیوندی آن با موازین رقابتی، موضوع را طی نگرشی تطبیقی در بستر خاص حقوق ایران تحلیل کرده و کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های نظام اختراعات و رقابت ایران در این زمینه را آشکار ساخته و با ارائه پیشنهادی فرصت بهره‌گیری از ظرفیت‌های این نظریه را امکان‌پذیر سازد.

واژگان کلیدی: نظریه سوءاستفاده از اختراع؛ حقوق اختراعات؛ حقوق رقابت؛ قرارداد لیسانس؛ حقوق مالکیت فکری.

* استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»

Email: rahbarionlaw@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: mohamad.a.hosseini@gmail.com



مقدمه

حقوق اختراعات، انحصار قانونی محدودی است که دولت‌ها در جهت حمایت از نوآوری به مبدعان اعطا می‌کنند. دارندگان این حقوق می‌توانند از طریق قراردادهایی چون لیسانس، استفاده دیگران از دستاوردهای خود را منوط به پرداخت حق امتیاز نموده و با تجاری‌سازی، بهره اقتصادی حداکثری از تلاش‌های خلاقانه خود به دست آورند. مدت اعطای این حق انحصاری در نظام‌های حقوقی و همچنین قلمرو و محدودیت مالکان در رابطه با بهره‌برداری از آثار خود نیز متفاوت است. تعیین قلمروی این حقوق به‌علت پیچیدگی و فنی بودن موضوعات، امری دشوار و تقریباً غیرممکن است و این قلمرو، از اختراعی به اختراع دیگر متفاوت است و نمی‌توان مرزهای واضح و دقیقی برای آن ترسیم نمود؛ از این‌رو، گاه دارندگان اختراع برای کسب منافع بیشتر در قراردادهای خود، سعی در تجاوز از این چارچوب و سوءاستفاده از حق داشته‌اند.

در امریکا، در طول یک قرن گذشته، نظر به توسعه پرشتاب اختراعات، مالکان اختراعات برای کسب سود هرچه بیشتر دست به اعمالی زدند که منجر به نگرانی‌های بسیاری به‌خصوص در زمینه قیمت مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی شد. (Chiapetta, 2011:1) در جهت پاسخ به این دغدغه‌ها، نظام حقوقی امریکا، در اوایل قرن ۲۰ میلادی به نظریه مستقلی به نام نظریه «سوءاستفاده از حق اختراع» (Patent misuse doctrine) متوسل شد که مبتنی بر انگاره‌های خاص نظام اختراعات بود و هیچ‌گونه وابستگی به حقوق ضدانحصار نداشت. اما عنصر زمان این تعادل را بر هم زد و به مرور انگاره‌های حقوق رقابت از جمله «قاعده معقولیت» (Rule of reason) به گستره این نظریه وارد شد. هرچند ورود حقوق رقابت به این نظریه موجب کامل‌تر شدن تصمیمات دادگاه‌ها در این حوزه شد، اما سبب شد تا جایگاه و حدود نظریه سوءاستفاده از حق اختراع مورد پرسش قرار گرفته، پیشرفت آن محدود شده و قلمرو و ابعاد آن در بند ابهاماتی چند گرفتار شود. به همین دلیل است که در رابطه با تعریف نظریه سوءاستفاده از حق اختراع و ارتباط آن با حقوق رقابت دیدگاه‌های متفاوتی مطرح و عناصر و چارچوب این نظریه دستخوش تغییرات و تفسیرهای مختلف شده است.

در این مقاله در قسمت نخست با تعمق در رهیافت‌های حقوق امریکا، مفهوم نظریه را روشن ساخته و سپس به سیر تحولات آن و چگونگی ورود هنجارهای رقابتی به مسئله سوءاستفاده از اختراعات و تعامل نظریه با موازین رقابتی اشاره کرده و سپس به مهم‌ترین مصادیق سوءاستفاده

از اختراعات و چگونگی رویارویی قواعد اختراعی و رقابتی در برابر آن خواهیم پرداخت. در قسمت دوم نیز رویکردهای حقوق ایران و احتمال اجرای نظریه را در بستر کنونی مقررات اختراع و رقابت تحلیل کرده و در نهایت نتایج حاصل از این پژوهش را ارائه خواهیم نمود.

۱- رویکرد حقوق آمریکا نسبت به نظریه سوءاستفاده از اختراع

در این قسمت نخست مفهوم نظریه را تبیین ساخته و سپس چگونگی پیدایش و تحولات نظریه را در رویه قضایی حقوق آمریکا و مقررات قانونی دنبال نموده و در مبحث سوم مصادیق سوء استفاده از حق اختراع را تشریح می‌کنیم. در فراز پایانی نیز تبعات اجرای نظریه را در این نظام حقوقی تحلیل خواهیم کرد.

۱-۱- چارچوب مفهومی نظریه

سوءاستفاده از اختراع را می‌توان گسترش قلمروی قانونی این حقوق توسط دارنده آن دانست. نظریه سوءاستفاده از حق اختراع ریشه در نظریه «دست‌های ناپاک» (Unclean hands) دادگاه‌های انصاف انگلستان دارد. بر مبنای این نظریه، چنانچه خواهان دعوا که رفتاری خلاف قواعد انصاف در ارتباط با موضوع دعوا داشته، از دادگاه طلب یاری نماید، محکمه به درخواست او رسیدگی نخواهد کرد و حقوق او را به رسمیت نخواهد شمرد. می‌توان ادعا نمود که سوءاستفاده از اختراع در واقع، اعمال نظریه دست‌های ناپاک در حقوق اختراعات است. در یکی از پرونده‌های مهم، دیوان عالی آمریکا اشعار داشته است که: «نظریه سوءاستفاده از اختراع، از مفهومی مبتنی بر انصاف نشئت گرفته که تنها مالکان اختراعی که دست‌های پاک دارند می‌توانند خواستار حمایت دادگاه شوند.»^۱ از آنجا که نظریه دست‌های ناپاک تنها در مقام دفاع در دادگاه‌ها مطرح می‌شوند، نظریه سوءاستفاده از حق اختراع نیز وضعیت مشابهی دارد که به‌خودی خود موجب جواز طرح دعوی مسئولیت مدنی یا اقامه هرگونه دعوایی در مقام خواهان نیست. البته ضروری نیست که خواننده دعوا از اعمال خواهان متضرر شده باشد تا سوءاستفاده از اختراع محقق شود، بلکه آنچه اهمیت دارد، جلوگیری از لطمه به نظم عمومی است. (Tomkovicz, 2013: 196-199)

با عنایت به رویه قضایی ایالات متحده، دو دسته از اقدامات، مشمول سوءاستفاده از حق اختراع می‌شود:

1. Morton Salt Co. V. G. S. Suppiger Co. 314 U.S. 488 (1942).

نخست، سوءاستفاده از حق اختراع، به معنای بهره‌برداری نامناسب از حقوق اختراع و به‌طور کلی گسترش قلمرو یا محدوده زمانی حق اختراع است که گاه بدون نقض مقررات رقابت رخ می‌دهد؛ به بیان دیگر هنگامی که وجود سوءاستفاده از اختراع محرز می‌شود، اثبات نقض مقررات رقابتی ضروری نیست؛ چراکه از یک منظر، سوءاستفاده از اختراع، رفتاری با گستره‌ای وسیع‌تر از اقدامات مخل رقابت تلقی می‌شود؛ (Fox, 2010: 404-406) و دوم، سوءاستفاده از حق اختراع ممکن است در اثر نقض حقوق رقابت توسط مالک حق اختراع محقق شود؛ به‌عنوان نمونه، یک بنگاه با هدف تحدید رقابت، تمامی اختراعات مشابه و جایگزین در بازارهای مرتبط را در اختیار و تسلط خود در می‌آورد تا به این ترتیب رقبای خود را در بازار با موانعی مواجه سازد؛ اقدامی که هم سوءاستفاده از حق اختراع انگاشته شده و هم نقض موازین رقابتی محسوب می‌شود. (Silverman, 1992: 54)

آنچه پس از تغییرات ماده ۲۷۱ قانون اختراعات^۱ و استثنائاتی که برای نظریه سوءاستفاده از حق اختراع لحاظ شد، شایان توجه است، آن است که رفتارها بدون نقض قوانین رقابتی نوعی سوءاستفاده قلمداد می‌شوند، اما همچنان عناصری همچون قدرت در بازار، پیامدهای ضدرقابتی و توجیهات مشروع تجاری اقدام مورد نظر باید در ارزیابی‌ها دخالت داده شوند. (Durham, 2009: 139) به این ترتیب توافقات بسیاری را می‌توان یافت که از دید حقوق رقابت نامشروع نیستند، یا آنکه واجد قدرت تأثیرگذاری گسترده در بازار رقابتی نیستند، ولی از دید حقوق اختراعات، سوءاستفاده تلقی می‌شوند.

قاعده کلی ارزیابی سوءاستفاده بودن اقدامات در حقوق ایالات متحده که توسط دادگاه‌های فدرال این کشور پایه‌گذاری شده این است که، هنگامی که رفتاری مظنون به سوءاستفاده از اختراع باشد و نه در شمار سوءاستفاده ذاتی قرار گرفته و نه در محدوده استثنائات بخش دال ماده ۲۷۱ جای گیرد، دادگاه موظف است برای بررسی سوءاستفاده بودن رفتار، از قاعده معقولیت استفاده نماید؛ بدین طریق که دادگاه باید تعیین نماید که آیا رفتار مورد بحث از لحاظ این معیار، داخل در محدوده اختراع است یا خیر؟ اما چنانچه اقدامی قابلیت توسعه غیرقانونی محدوده اختراع را همراه با تأثیرات ضدرقابتی داشته باشد، باید براساس قاعده معقولیت مورد تحلیل موشکافانه قرار گیرد. بر مبنای این ضابطه، برای تعیین تحمیل تحدیدات نامعقول بر رقابت، باید عوامل بسیاری از جمله اطلاعات

1. 35 U.S.C. 271.

خاص راجع به تجارت مورد نظر، شرایط بازار و رقابت قبل و بعد از تحمیل تحدید و همچنین سابقه، ماهیت و تأثیرات فعلی و آتی احتمالی محدودیت را ملحوظ داشت. (Cotter, 2007: 11) افزون بر موارد پیش‌گفته، باید توجه داشت که رفتارهایی که منجر به سوءاستفاده از اختراع می‌شوند، از صنعتی به صنعت دیگر متفاوت بوده و به عواملی چند وابسته است:

الف- تمرکز قدرت بازار در یک صنعت: اصولاً در صنایع با تمرکز بالا و یا صناعی که تنها یک شرکت مسلط در حوزه آن فعالیت دارد، احتمال طرح ادعاهای سوءاستفاده از اختراع بیشتر است.

ب- پیوستگی بین دو محصول متفاوت و نیاز به اعطای قرارداد لیسانس متقابل یا بسته‌ای از لیسانس‌های مختلف: این وضعیت به خصوص در مورد شرکت‌هایی که اختراعاتی با کارکرد و محتویات مشابه با یکدیگر دارند، صدق می‌کند.

ج- میزان تغییر و دگرگونی در یک صنعت. (Lemley & Burk, 2009: 136)

از منظر خوانندگان، سوءاستفاده از اختراع به دفاع خواننده در برابر خواهان، در دعوای نقض حق اختراع و یا عدم رعایت تعهدات مالی در قرارداد لیسانس اطلاق می‌شود؛ (Lim, 2013: 1) در واقع به موازات گسترده‌تر شدن نظریه سوءاستفاده از اختراعات که از برخی جهات مضیق‌تر از مسئولیت ناشی از نقض موازین رقابتی است، نظریه خود را به‌عنوان یک دفاع مؤثر در دعوای تجاوز به اختراع اثبات کرده است. (Blair & Daniel, 2014: 14-8)

۱-۲- سیر تحول نظریه سوءاستفاده از حق اختراع در رویه قضایی و قانونی آمریکا

در این فراز نخست به موقعیتی می‌پردازیم که منجر به پیدایش نظریه شد و مبنای استقلال آن از نظام حقوق رقابت را به بحث می‌گذاریم. در ادامه حدود و استثنائات نظریه را تبیین کرده و در قسمتهای بعدی نوع تعامل نظریه با انگاره‌های حقوق رقابت و تحولات آن را تحلیل می‌کنیم.

۱-۲-۱- پیدایش نظریه و شاخص گسترش قلمرو انحصار

در سال ۱۹۱۷ پرونده موشن پیکچر^۱ که یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در حوزه نظریه سوءاستفاده از اختراع است، مطرح شد. موضوع پرونده مذکور، شرط فروش اجباری در قرارداد فروش یک نمایشگر فیلم بود. این نمایشگر تنها قادر به نمایش فیلم‌هایی بود که توسط مالک اختراع تولید می‌شد و خواننده کسی بود که با اضافه نمودن قطعه‌ای به دستگاه، موجب شد تا دستگاه قادر به

1. Motion Picture Patents Co. v. Universal Film Co. 243 U.S. 502 (1917).

پخش سایر فیلم‌ها نیز باشد. پس از اقامه دعوا، دیوان عالی بر این باور بود که اگرچه با مالک اختراع باید به طرز منصفانه و با لحاظ اصل آزادی قراردادها رفتار شود، اما حمایت از جامعه در برابر هزینه‌های غیرموجه و نامعقول ایجاب می‌نماید که حقوق مالک اختراع محدود به اختراعش باشد. (Chiapetta, 2011: 16) در حقیقت دادگاه در این پرونده دو معیار برای سوءاستفاده معرفی نمود: اول، اقدامات مالک اختراع برای کنترل و تسلط اختراع، خارج از حقوق اعطائی؛ و دوم لطمه به منافع عمومی در نتیجه ایجاد انحصار در محصولات ثانوی یا خارج از حوزه اختراع. (Bohannon, 2011: 480) تصمیم دادگاه در پرونده موشن پیکچر، آنچه امروزه به‌عنوان نظریه سوءاستفاده از اختراع شناخته می‌شود را بنیان نهاد. این تصمیم نه‌تنها نظریه سوءاستفاده از حق اختراع را به‌عنوان رکن پایدار سیاست حقوق اختراعات معرفی نمود، بلکه زمینه ورود عنصر «گسترش قلمروی انحصار» را به چارچوب آن مهیا ساخت. (Leaffer, 2010: 149)

۱-۲-۲- تصریح به استقلال نظریه از موازین ضدانحصار

در سال ۱۹۴۲ پرونده مورتون سالت^۱ مطرح شد. در این پرونده، اگرچه اختراع واجد اعتبار قانونی بود و مورد تعدی قرار گرفته بود، اما خواسته خواهان، به‌علت فروش اجباری به خریداران دستگاه، مردود اعلام شد. (Arar, 1981: 1297) در این پرونده خواهان و خواننده، هر دو دستگاهی برای نمک‌سود کردن غذاهای کنسروی تولید کرده بودند. خواهان در فروش این دستگاه‌ها، شرط فروش اجباری قرص‌های نمک خود را مقرر کرده بود. بنگاه مذکور مدعی شد که دستگاه خواننده، حق اختراع وی را نقض نموده است. در مقابل، دفاع خواننده این بود که به‌علت وجود شرط فروش اجباری، خواهان حقوق رقابت را نقض نموده است و در نتیجه حقوق اختراع ناظر به دستگاه باید غیرقابل اجرا باشد. (Chiapetta, 2011: 17) اگرچه اختراع معتبر بود و مورد تعدی قرار گرفته بود، اما خواسته خواهان، به‌علت فروش اجباری قرص‌های نمک به خریداران دستگاه و نقض قوانین ضد انحصار، از سوی دادگاه مردود اعلام شد. (Arar, 1981: 1297)

دیوان عالی کشور، در مخالفت با اظهار نظر دادگاه تجدیدنظر مبنی بر تخلف از «قانون کلاتون» (Clayton Act) - که به مسائل رقابتی اختصاص دارد- این رأی را نقض نمود؛ با این استدلال که موضوع مورد بحث دادگاه، اخلاص در رقابت نیست، بلکه آن است که آیا دادگاه از اختراعی که برای دستیابی به حقوقی خارج از قلمروی اختراع تلاش می‌نماید و در نتیجه هنجارهای

1. Morton Salt Co. v. G. S. Suppiger Co. 314 U.S. 488 (1942).

تأملی در نظریه سوءاستفاده از حق اختراع در نظام حقوقی آمریکا و ایران / رهبری و حسینی ۱۵۳

مرتبط با نظام عمومی را نادیده می‌گیرد، حمایت خواهد نمود؟ (Feldman, 2013: 410;)
(Nicoson, 1962: 83; Chiapetta, 2011: 17)

۱-۲-۳- اصلاح مقررات اختراع و پیش‌بینی استثنائاتی بر نظریه

در سال ۱۹۵۲، کنگره آمریکا، دو بند ج و دال را به ماده ۲۷۱ قانون اختراعات، ملحق نمود. بند دال سه نوع رفتار را از سوءاستفاده از اختراع معاف نموده و بدین وسیله حمایت بیشتری را از مالکان اختراع فراهم آورد. این بند مقرر می‌دارد که هیچ مالک حق اختراعی که مستحق جبران خسارت ناشی از نقض اختراع است نباید از حقی محروم شده و یا به سبب روی آوردن به یک یا چند مورد از اعمال زیر به علت سوءاستفاده یا گسترش غیرقانونی حق اختراع محکوم شود:

- ۱- کسب سود از اعمالی که اگر توسط شخص دیگر، بدون رضایت مالک حق اختراع انجام شود، نقض مشارکتی (Contributory infringement) محسوب شود؛
- ۲- انعقاد قرارداد لیسانس یا اعطای مجوز به شخص دیگر، برای انجام اعمالی که اگر بدون رضایت مالک اختراع انجام شود، نقض مشارکتی محسوب خواهد شد؛
- ۳- مطالبه حقوق اختراع علیه ناقض حق اختراع یا نقض مشارکتی.

۱-۲-۴- تشدید آمیختگی نظریه با انگاره‌های حقوق رقابت

در پرونده ویند سرفینگ^۲ ۱۹۸۶، دادگاه فدرال این‌گونه اظهار نمود که خوانده باید اثبات نماید که خواهان قلمرو زمانی یا مادی اختراع را بدون مجوز توسعه داده است و این امر دارای آثار ضد رقابتی است. (Chiapetta, 2011: 20) این تصمیم و به‌ویژه افزوده شدن عبارت «آثار ضد رقابتی» پیامدها و مناقشات بسیاری را به‌همراه داشت. پرونده ویند سرفینگ، که مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت، برخلاف ساختاری بود که دیوان عالی از نظریه سوءاستفاده از حق اختراع ترسیم می‌کرد و نمایانگر اعمال انگاره‌های حقوق رقابت در قلمروی سوءاستفاده از اختراع بود. در این رویکرد، ابتدا باید تعیین می‌شد که آیا رفتار مورد بررسی قلمروی مادی یا زمانی اختراع را تعمیم داده است یا خیر. اگر این شرط خارج از قلمروی اعطائی حقوق اختراع جای گیرد، باید

۱. نقض مشارکتی حق اختراع، فعلی است از جانب ثالث که موجب می‌شود شخص دیگری مستقیماً مرتکب نقض حق اختراع شود.

2. Windsurfing Intern. Inc. v. AmF, Inc., 782 F. 2d 995 - Court of Appeals, Federal Circuit, 1986.

تحلیل شود که آیا این توسعه بدون مجوز بوده است یا خیر. توسعه بدون مجوز در دو حالت اتفاق می‌افتد: اول، دیوان عالی رفتار مذکور را از منظر رقابتی ذاتاً نامشروع تشخیص داده باشد؛ دوم، اقدام مزبور به موجب معیارهای اصولی رقابت و با لحاظ عناصر قاعده معقولیت محدودیت نامعقولی را بر بازار رقابتی تحمیل کرده باشد. (Chiapetta, 2011: 20)

۱-۲-۵- اصلاح انحراف به موازات پُرنگ‌تر شدن عنصر قدرت بازاری

در سال ۱۹۸۸ کنگره، در واکنش به اعتراضات بی‌شمار راجع به فراتر رفتن و انحراف این نظریه از مقصود غایی خود و ناهماهنگی دادگاه‌ها در اعمال این نظریه، موارد ۴ و ۵ را به بخش دال ماده ۲۷۱، الحاق نموده (White, 2001: 679) و از آن پس قانون موارد ذیل را گسترش بی‌دلیل حقوق ناشی از انحصار قلمداد نمی‌کند:

(مورد ۴): امتناع از اعطای مجوز بهره‌برداری یا؛ (مورد ۵): مقید نمودن مجوز بهره‌برداری نسبت به هرگونه حقی از اختراع، یا فروش محصول ثبت شده به‌عنوان اختراع، به کسب مجوز بهره‌برداری از حق اختراع دیگر، یا خرید محصولی مجزا، مگر اینکه، با توجه به اوضاع و احوال، مالک اختراع نسبت به آن اختراع، که مجوز بهره‌برداری یا فروش آن را مقید نموده، در بازار مربوطه از قدرت بازاری برخوردار باشد.

هرچند قانون اصلاح سوءاستفاده از اختراع ۱۹۸۸، به عقیده برخی (Leaffer, 2010: 150, White, 2001: 680) به حیات نظریه سوءاستفاده از حق اختراع، با توجه به لزوم اثبات نقض برخی مقررات حقوق رقابت خاتمه داد، اما آنچه که آشکار است اینکه کنگره، شرط پیش نیاز وجود تبعات ضدرقابتی پیشنهادی دادگاه‌های تجدیدنظر فدرال را برای احتساب اقدامات به‌عنوان سوءاستفاده، نپذیرفت؛ به بیان دیگر، قصد کنگره در عدم تصویب قانونی که لازمه آن تصریح نقض رقابت برای احتساب رفتار به‌مثابه نوعی سوءاستفاده است، به‌طور ضمنی حفظ استقلال نظریه بود. (Chiapetta, 2011: 22)

نکته قابل ذکر دیگر راجع به اصلاحیه سال ۱۹۸۸، اضافه شدن عنصر قدرت بازاری است که باید قبل از تصمیم‌گیری راجع به غیرقابل اجرا بودن اختراع، اثبات شود. با توجه به این نکته که قدرت در بازار هیچ ریشه‌ای در نظریه سوءاستفاده از حق اختراع نداشته و از بایسته‌های حقوق رقابت به این نظریه وارد شده، چگونگی تفسیر این عنصر را باید با توجه به اوضاع و احوال خاص هر قضیه و ماهیت ویژه اختراعات در بستر حقوق ضدانحصار جستجو نمود. (Burchfiel, 1991: 23,26)

۱-۲-۶- بازشناسی مجدد مرزهای نظریه از قلمرو حقوق رقابت

در پرونده پرینکو ۲۰۱۰،^۱ شرکت‌های سونی و فیلیپس و همچنین دو شرکت دیگر، تصمیم به ایجاد یک ائتلاف اختراع نمودند. در خلال تشکیل این ائتلاف تصمیم گرفتند که از انعقاد قراردادهای مستقل امتناع نموده و تنها در هیئت ائتلاف یادشده به انعقاد قراردادهای ليسانس بپردازند. (Bohannan, 2011: 515) پرینکو و دو شرکت دیگر، با ائتلاف مذکور قرارداد ليسانس منعقد نموده، اما در نهایت از پرداخت حق امتیاز سر باز زدند. فیلیپس، دعوایی نزد کمیسیون تجارت بین‌الملل و همچنین دادگاه فدرال آمریکا طرح نمود. در مقام دفاع، پرینکو ادعا نمود که اعضای ائتلاف، با فروش اجباری اختراعات ضروری و غیرضروری در یک قرارداد مجوز بهره‌برداری، مرتکب سوءاستفاده از اختراع شده‌اند. (Oliver, 2011: 65; Lim, 2011: 592-595; Barr, 2011: 642-647) در نهایت، در تصمیم‌گیری هیئت عمومی، تصمیم قبلی دادگاه فدرال نقض شده و سوءاستفاده از اختراع محدود به توسعه قلمروی اختراع دانسته شد. دادگاه در این پرونده، با اتفاق نظر، بر این باور بود که هرچند اثبات نقض حقوق رقابت نشان می‌دهد که صاحب حق اختراع، مرتکب رفتار ضدرقابتی شده است، اما این مسئله، سوءاستفاده از اختراع را احراز نمی‌کند، مگر اینکه رفتار مورد نظر استفاده از اختراع را محدود نموده و این محدودیت از طریقی اعمال شده باشد که خارج از قلمروی حقوق اعطائی اختراع انگاشته شود.

در پرونده جدیدی^۲ دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۱۵ کوشیده است تا هرچه بیشتر نظریه را به اصل خود بازگرداند و بر مرز تمایز آن با حقوق ضد انحصار تأکید کرده و با تکیه بر آرای قدیمی دیوان،^۳ بر این باور که نظریه رنگ و روی رقابتی دارد و اصول حقوق ضد انحصار در ارزیابی‌ها باید بر خط‌مشی‌های ویژه نظام اختراع اولویت داشته باشد، خط بطلان بکشد. در این نگرش اقداماتی که سوءاستفاده از اختراع تلقی می‌شوند از جمله پرداخت حق امتیاز پس از انقضای بازه زمانی اعتبار اختراع را باید با لحاظ مؤلفه‌های خاص این نظام به چالش کشید و نه از دیدگاه بایسته‌های حقوق ضد انحصار.^۴ در حقیقت دیوان تأکید می‌کند که برداشت‌های سابق نسبت به

1. Princo Corp. v. International Trade Com'n, 616 F. 3d 1318 - Court of Appeals, Federal Circuit 2010.

2. Kimble v. Marvel Entertainment, LLC, 576 U.S. 135 S. Ct. 2401 (2015).

3. Zenith Radio Corp. v. Hazeltine Research, Inc., 395 U.S. (1969) Mercoird Corp. v. Mid-Continent Inv. Co., 320 U.S. (1944) Morton Salt Co. v. G.S. Suppiger, 314 U.S (1942)

4. https://www.supremecourt.gov/opinions/14pdf/13-720_jiel.pdf.

موضوع، متناسب با شرایط اقتصادی و نوآورانه جدید نیست و نباید به صرف تکیه بر آرای گذشته از این موضوع مهم چشم‌پوشی کرد و نظریه باید به مسیر درست خود که راهی جداگانه از حقوق رقابت دارد، بازگردانده و رهنمون شود. (Miller, 2016: 9)

به‌طور خلاصه در حال حاضر، در نظام حقوقی امریکا، سوءاستفاده از حق اختراع، حاوی دو چهره است: چهره گذشته که با هدف مقابله با سوءاستفاده از نظام اختراعات به وسیله دیوان عالی ترسیم شده است؛ و چهره آینده که با دغدغه جلوگیری از اعمالی است که در روند رقابت در بازار اخلاقی ایجاد می‌کند. (Lim, 2015: 3) با این وجود، رأی اخیر دیوان عالی امریکا حکایت از آن دارد که نظام حقوقی امریکا در آخرین رهیافت خود در پی اعاده نظریه به ریشه‌های اصلی و متمایز کردن آن از موازین ضد انحصار است.

۱-۳-۳- مصادیق سوءاستفاده از اختراعات

در این مبحث به مصادیق نظریه می‌پردازیم و ابتدا موارد معروف‌تر نظیر شروط پیوندی و پرداخت حق امتیاز بعد از انقضای اعتبار اختراع را بررسی کرده و در فراز سوم به سایر مصادیق که کمتر رایج هستند اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۱- فروش اجباری و شروط پیوندی (Tying clauses)

فروش اجباری، به رفتارهایی اطلاق می‌شود که مالک اختراع، اعطای لیسانس را مشروط به خرید محصولی یا دریافت خدماتی خاص یا اخذ مجوز برای دارایی فکری دیگری غیر از اختراع اصلی نموده و در نتیجه قلمرو اختراعات خود را به عرصه‌های دیگر گسترش می‌دهد. این اجبار ممکن است به صورت مستقیم باشد و یا غیرمستقیم؛ برای مثال در موقعیتی که لیسانس‌دهنده مبلغ حق امتیاز بسیار گزافی را در دریافت مجوز بهره‌برداری اختراع بدون اقلام پیوندی مطالبه می‌کند ولی در صورت خرید محصولات با هم، تخفیفی قائل می‌شود، به نحوی که لیسانس‌گیرنده صرفه اقتصادی خود را در دریافت اقلام پیوندی می‌بیند. (Hovenkamp & Lemley, 2009: 3-13; Lim, 2013: 92)

فروش اجباری در قرارداد لیسانس، قرارداد یا هر توافقی، در غیاب یک دلیل موجهه فنی، سوءاستفاده محسوب می‌شود؛ مشروط بر اینکه، شرایط ذیل احراز شود:

الف- لیسانس‌دهنده دارای قدرتی در بازار باشد که قادر باشد گیرنده را ناگزیر به دریافت محصول پیوندی یا مجوز دیگری نماید؛ در اصلاحیه‌ای که در قانون سوءاستفاده از اختراع در سال ۱۹۸۸

به عمل آمد، وجود قدرت بازاری برای سوءاستفاده از اختراع الزامی شد و علی‌رغم وجود آثار ضد رقابتی در این رفتار، کنگره برای سوءاستفاده خواندن این رفتار توجه به این عامل را ضروری دانسته است. قدرت بازاری به معنای توانایی اجبار خریدار به انجام امری است که در یک بازار رقابتی تمایلی به انجام آن ندارد؛ به عبارت دیگر، توانایی یک فروشنده، برای افزایش قیمت و ایجاد محدودیت‌های ناروا. در زمینه فروش اجباری، برای تشخیص وجود قدرت در بازار، از معیار «قدرت افزایش دادن قیمت و تحمیل شروط با توجه به تعداد خریداران در بازار» استفاده می‌شود. (White, 2001: 682)

ب- دو محصول یا خدمات مجزا و مستقل باشند؛ معیاری که حقوق رقابت برای مجزا بودن دو محصول ذکر می‌نماید، معیاری است پیچیده و وابسته به بازار و نیاز مصرف‌کنندگان؛ با وجود این، معیار سوءاستفاده از اختراع بسیار ساده و فیزیکی است و کفایت کالایی به همراه اختراع مورد نظر، موضوع قرارداد لیسانس قرار گیرد.

ج- در آنچه واقع می‌شود، چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی، انعقاد قرارداد لیسانس مشروط به خرید اجباری کالایی دیگر باشد؛ براین اساس، ممکن است طرفین در قرارداد مشخصاً به فروش کالای دیگر اشاره‌ای ننمایند، اما مطابق اوضاع و احوال، فروش اجباری اتفاق افتاده باشد.

د- در تجارت در بازاری که کالا یا فناوری دیگر بالاجبار فروخته یا واگذار می‌شود، تأثیر عمده بگذارد؛ در واقع با توجه به تصویب اصلاحیه قانون در سال ۱۹۵۲، وقتی که چنین تأثیری احراز نشود و کالایی که به اختراع پیوند خورده جنبه اساسی نداشته باشد، اصولاً سوءاستفاده‌ای تحقق نیافته است. (Hovenkamp & Lemley, 2009: 3-14; Kobak, 2000: 39)

۱-۳-۲- پرداخت حق امتیاز بعد از انقضای اعتبار اختراع (Post-expiration royalty)
توافقاتی که به موجب آن گیرنده پس از انقضای حق اختراع موظف به پرداخت حق امتیاز، بدون هیچ کاهشی در مقدار آن باشد، از نظر دیوان عالی آمریکا، ذاتاً سوءاستفاده تلقی شده است. در نتیجه این توافقات، لیسانس‌گیرندگان ممکن است عملاً و بالاجبار، وابسته به لیسانس‌دهنده و استفاده از اختراع او شده و در نتیجه دارنده اختراع، حتی پس از انقضای مدت اعتبار آن سعی در حضور مؤثر در بازار داشته باشد. (Hovenkamp & Lemley, 2009: 3-34) علاوه بر پرونده‌ای که اخیراً دیوان عالی آمریکا رسیدگی کرده و در مطالب پیشین مورد اشاره قرار گرفت،

یکی از معروف‌ترین دعاوی در این زمینه، پرونده برولت^۱ است. دیوان‌عالی این قرارداد لیسانس را غیرقانونی و در نتیجه غیرقابل اجرا قلمداد نمود؛ با استناد به این موضوع که حقی که به مالک اختراع توسط قانون اعطا شده، حقی محدود است و پس از انقضای مدت، اختراع مورد نظر به قلمروی عمومی وارد می‌شود؛ از این رو چنین توافقی، مخالف با سیاست حقوق اختراعات و نوعی توسعه غیرقانونی قلمروی اختراع به‌شمار می‌آید. دیوان‌عالی آمریکا، با نگاهی به توافقات فروش اجباری و وجود مشابهتی که بین این دو توافق وجود دارد، این توافقات را اقدامی برای پیوند زدن دوره قبل از انقضا و بعد از پایان مدت اعتبار اختراع تلقی نمود. (Hovenkamp & Lemley, 2009: 33-34) البته ناگفته نماند که توافقاتی که در آن اکراهی وجود نداشته و یا حق امتیاز در دوره قانونی اختراع بیشتر بوده و حق امتیاز دوره پس از انقضا بر مبنای وجود یک اختراع یا دانش فنی دیگر محاسبه شده، سوءاستفاده تلقی نشده است؛ به‌علاوه، مراجع رقابتی و دادگاه‌ها تمایل زیادی برای ضدرقابتی خواندن اقداماتی از این دست نداشته‌اند. (Davidow, 2010: 94-98)

۱-۳-۳- سایر موارد

در حقوق امریکا مواردی دیگر از رفتارهای صاحبان اختراع را می‌توان یافت که در مورد بعضی بیشتر و در مورد پاره‌ای دیگر، کمتر امکان طرح سوءاستفاده از اختراع توسط صاحب‌نظران و محاکم مطرح شده است؛ از جمله می‌توان به توافقات عدم رقابت (Non-compete Clause) اشاره نمود که دارنده اختراع در صورتی موافقت به انعقاد قرارداد لیسانس می‌نماید که گیرنده از معامله با رقیب خودداری نموده یا در قرارداد لیسانس شرط می‌شود که گیرنده لیسانس از رقابت با مالک اختراع حتا در عرصه خارج از موضوع اختراع خودداری نماید. (Hovenkamp & Lemley, 2009: 3-29) رویکرد غالب دادگاه‌ها این بوده است که این شکل از توافقات را نیز تحت حمایت بند دال اصلاحی ماده ۲۷۱ قانون اختراعات، همچون فروش اجباری قرار داده و برای سوءاستفاده تلقی کردن آن، وجود قدرت بازاری را در پرتوی اعمال معیارهای قاعده معقولیت ضروری شمرده‌اند. (Kobak, 2000: 45-46)

اگرچه کاوش‌های نظری صورت گرفته است تا امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس (Unilateral refusal to license) اختراع به دیگران - شرایطی که طی آن دارنده اختراع بدون

1. Brulotte v. Thys Co., 379 US 29 - Supreme Court 1964.

آنکه اعطای لیسانس را مشروط به تحقق امری نماید، از اعطای مجوز بهره‌برداری خودداری می‌کند- (رهبری و چالستری، ۱۳۹۴: ۲۶) نوعی سوءاستفاده از حقوق انحصاری اعطا شده تلقی شود، (Leslie, 2011: 195-6) اما واقعیت آن است که دارنده اختراع می‌تواند آزادانه، طرف قرارداد لیسانس خود را انتخاب نماید. این امر ترجمانی از اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی و به اجرا گذاشتن طبیعی حقوق انحصاری اعطا شده است و پاراگراف ۴ بند دال ماده ۲۷۱ با بیان و تأکید بر آن، تنها اقدامی در جهت تدوین این قاعده صورت داده است. (Burchfiel, 1991: 6) در تفسیری صحیح‌تر باید اذعان داشت که مسئله منع سوءاستفاده از حق اختراع که موضوع این ماده است، اصولاً به حیطة حقوق رقابت تعلق ندارد، بلکه از جلوه‌های مهم تعامل حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت محسوب می‌شود؛ به‌علاوه از نظر تاریخی کنگره آمریکا نه‌تنها به ابعاد رقابتی موضوع عنایت نداشته، بلکه به‌صورت خاص آن را نفی کرده است. (Marina, 2000: 209) به این ترتیب اقدام دارنده‌ای که تمایلی به اعطای لیسانس به دیگران ندارد، نوعی سوءاستفاده قلمداد نمی‌شود. (Lim, 2013: 105)

در همین راستا می‌توان از شرط عدم چالش (No challenge clauses) در اختراع یاد نمود که مجوزدهنده با توسل به آن می‌کوشد تا لیسانس‌گیرنده را از اعتراض به اعتبار اختراع موضوع قرارداد لیسانس باز دارد. برخی بر این باورند که نظر دیوان عالی آمریکا بر آن قرار گرفته که گیرنده لیسانس را نمی‌توان از چالش در اعتبار حق اختراع محروم نمود و (Curley, 2004: 132-33) اصولاً دادگاه‌ها در قلمداد کردن این شرط به‌عنوان سوءاستفاده از اختراع، قدری اکراه داشته و در شرایط خاص ممکن است تحت قاعده معقولیت و در قلمروی اعمال ضد رقابتی به تحلیل موشکافانه آن بپردازند. (Nguyen, 2010: 98)

علاوه بر موارد فوق، می‌توان به اخذ حق امتیاز گزاف (Excessive royalty) اشاره نمود. به باور برخی در شرایطی که مالک اختراع دارای وضعیت مسلط در بازار بوده و از این وضعیت بهره برده و حق امتیاز گزافی مطالبه می‌کند، موجب نقض حقوق رقابت و سوءاستفاده از حق اختراع شده است. (Fisher, 1967: 127) با وجود این رویکرد غالب رویه قضایی آمریکا بر این مبنا استوار است که مالک اختراع باید قادر باشد تا میزانی که بازار مایل به پرداخت است، حق امتیاز تعیین نماید و این قیمت‌گذاری نمی‌تواند نقض حقوق رقابت و یا سوءاستفاده تلقی شود.

(Lim, 2013: 123)

۴-۱- پیامد اعمال نظریه

ضمانت اجرای سوءاستفاده از اختراع، غیرقابل اجرا شدن حقوق اختراع است و نه بی‌اعتباری آن. بنابراین اختراع در پی سوءاستفاده مالک آن، نه تنها در برابر شخصی که بدان استناد جسته بلکه در برابر همه اشخاص از جمله نقض‌کنندگان، غیرقابل اجرا می‌شود و این ضمانت‌اجرا تا زمانی که رفتاری که متضمن سوءاستفاده از اختراع است متوقف نشده و آثار آن برطرف نشده باشد، ادامه خواهد داشت. در صورت تحقق سوءاستفاده، مالک اختراع نه تنها نمی‌تواند قرارداد را علیه گیرنده مجوز اجرا نماید بلکه ممکن است تا زمان رفع زمینه سوءاستفاده از اختراع، قادر به دریافت حق امتیاز هم نباشد. مالک اختراع در هر زمانی قبل از شروع دعوی، در هنگام آن و یا حتی پس از اتمام آن، با حسن‌نیت، می‌تواند رفتار مورد نظر را کاملاً ترک کرده و تمامی آثار آن را از ساحت بازار بزداید و اقدام به برطرف کردن تبعات منفی نماید که در این صورت استناد به سوءاستفاده محملی نخواهد داشت. (Gifford, & Kudrle, 2015: 189; Webb, 1991: 258) در حقیقت یکی از تفاوت‌های بین نظریه سوءاستفاده از اختراعات و موازین رقابتی آن است که اگر دارنده اختراع به رفتارهای ناروای خود خاتمه دهد و تبعات سوءاستفاده از بازار محو شود، می‌تواند مجدد حقوق خود را به مورد اجرا بگذارد؛ درحالی‌که به‌طور سنتی در حقوق رقابت، اعاده حقوق معمول نیست. با وجود این پیوند نزدیک میان این دو موقعیت انکارناپذیر بوده و صاحب‌نظران بر تسری آثار سوءاستفاده از اختراعات به گستره موازین ضد انحصار صحه گذاشته‌اند. (Dratler, 2005: 5-78, 5-80) نباید از خاطر دور داشت که اعاده به وضع معمول به قلمروی اختراع و ماهیت آن بستگی دارد. (Lim, 2014: 310)

۲- سوءاستفاده از حق اختراع در نظام‌های مالکیت فکری و رقابت ایران

اگرچه نظریه سوءاستفاده از اختراع به شکلی که در حقوق امریکا مطرح است در مقررات و آرای صاحب‌نظران ایران انعکاس صریح و گسترده‌ای نیافته، اما واقعیت آن است که ظرفیت‌های هرچند ناچیزی در قوانین می‌توان یافت که مبین آن است که نظام حقوق اختراعات و رقابت ایران با رفتارهای سوءاستفاده‌آمیز از اختراعات و لزوم مقابله با آن‌ها بیگانه نیست؛ هرچند در اتخاذ راهبردهای جامع و مؤثر موفق عمل نکرده است که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- نظام حقوق اختراعات

در قوانین مرتبط با اختراعات مقرره‌ای که مبین شناسایی نظریه سوءاستفاده از اختراع باشد، به چشم نمی‌خورد. با وجود این رهیافت‌هایی را می‌توان ملاحظه کرد که از عزم قانون بر محدود

کردن دارنده اختراع به چارچوب اختصاص داده شده حکایت دارد؛ موادی از قانون ثبت اختراعات، علایم تجاری و طرح‌های صنعتی ۱۳۸۶، تغییرات و اصلاحات اظهارنامه را، مشروط به عدم تجاوز از حدود اظهارنامه ابتدایی نموده است؛ از جمله بند الف ماده ۸ «... مشروط بر آنکه از حدود اظهارنامه نخست تجاوز نکند؛» و همچنین بند دال ماده ۱۴ قانون مزبور که مقرر می‌دارد: «به‌منظور تعیین حدود حمایت اعطا شده ... مشروط بر اینکه ... اطلاعات مندرج در گواهینامه اختراع از حدود اطلاعات مذکور در اظهارنامه اولیه ... تجاوز نکند؛» و ماده ۲۳ آئین‌نامه: «(...) اظهارنامه خود را اصلاح کند، مشروط بر اینکه از حدود اظهارنامه نخست تجاوز ننماید.» با عنایت به این مواد، می‌توان به‌صورت ضمنی قصد قانونگذار و روح قانون را به پایبندی به حدود و مرزهای اختراع استنباط نموده و گسترش آن را به فراسوی این مرزها مخالف با این اهداف خواند؛ اما با این وجود، این مواد نمی‌توانند چارچوبی نظام‌یافته و بستری مناسب برای جلوگیری از رفتارهای سوءاستفاده آمیز از اختراعات ترسیم کرده و فراهم آورند.

یکی از مواردی که ممکن است به‌عنوان نشانه‌ای ضمنی و البته اتفاقی بر شناسایی نظریه سوءاستفاده از اختراع باشد، مسئله لیسانس‌های اجباری است که در ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، علایم تجاری و طرح‌های صنعتی انعکاس یافته است که از موارد موجهه صدور آن یکی در موقعیتی است که «بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و ... بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد»، و دیگری در شرایطی که «در یک گواهینامه اختراع ادعا شده باشد که بدون استفاده از یک اختراع ثبت‌شده قبلی قابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم، متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد» ولی دارنده اختراع پایه از اعطای لیسانس امتناع می‌ورزد. اگرچه در نگاه نخست این‌طور به نظر می‌رسد که اقدام دارنده به عدم اعطای لیسانس، نوعی سوءاستفاده از اختراع و موقعیت اعطایی از سوی قانون است، اما با تعمق بیشتر آشکار می‌شود که در حقیقت قانون دغدغه‌هایی دیگری غیر از سوءاستفاده داشته و در مورد اول در پی مقابله با رفتارهایی است که تعادل رقابتی بازار را به هم می‌زند و در موقعیت دوم بیشتر به ارتقا و اشاعه نوآوری‌ها نظر دارد. این در حالی است که هم مطابق اصل اولیه تسلیط و هم با عنایت به ماهیت حق انحصاری اعطا شده به دارنده گواهینامه، نمی‌توان وی را ملزم به معامله با دیگران ساخت. بنابراین این موضوع خارج از حیطه سوءاستفاده از اختراعات قرار می‌گیرد و نمی‌تواند محمولی برای توجیه موجودیت نظریه مزبور در حقوق ایران باشد.

۲-۲- نظام حقوق رقابت

مقنن در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، ماده ۵۱ را با مضمون مقابله با رفتارهای ضدرقابتی در حوزه مالکیت‌های فکری تأسیس نموده است. این ماده اظهار می‌دارد: «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد (۴۴) تا (۴۸) این قانون شود»؛ و در ادامه به شورای رقابت اجازه اتخاذ ضمانت‌اجراهای مقرر در فروع ذیل ماده را می‌دهد. با وجود این تصریح، مواد ۴۴ تا ۴۸ قانون مزبور را صرفاً در مقام بیان قواعد ناظر به کالاها و خدمات می‌بینیم و گذشته از موارد عامی که با کلیت خود شامل برخی اقدامات مرتبط با اختراعات نیز به‌طور مجمل و مبهمی می‌شوند - بی‌آنکه ویژگی‌های دارایی‌های فکری و از جمله اختراعات در رویکرد آن‌ها لحاظ شده باشد (از جمله ترتیبات پیوندی) - شاهد هیچ‌کدام از رویه‌ها یا اقدامات خاصی که در حیطه اختراعات، ممکن است فضای رقابتی را مخدوش کنند و در ضمن نوعی سوءاستفاده از اختراع نیز انگاشته شوند، نیستیم؛ به بیان روشن‌تر، برای مثال در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مقرره‌ای در ارتباط با منع شرط عدم چالش در اعتبار اختراع یا اخذ حق امتیاز پس از انقضای اعتبار اختراع ملاحظه نمی‌شود. ریشه چنین نقطه ضعفی را باید در این نگرش جستجو کرد که مواد مرتبط به‌جای تبیین قاعده‌ای برای بررسی رفتارها و ارائه معیارهایی برای تشخیص رویه‌های مخل رقابت در حیطه مالکیت‌های فکری و به‌ویژه اختراعات، به ذکر رویه‌های ضدرقابتی چندی بسنده کرده‌اند و با رهیافت حصری خود، خلأ مهمی را در حقوق رقابت ایران ایجاد نموده‌اند، درحالی‌که رویکرد فعلی، به هیچ‌روی گشاینده معضلات پیش‌روی بازارهای رو به توسعه نوآوری و فناوری ایران نیست.

به اعتقاد برخی محققان، پاره‌ای از رویه‌های مقرر در مواد ۴۴ و ۴۵ نتیجه سوءاستفاده دارنده حقوق فکری از دارایی خود بوده و شورای رقابت بهتر است مادام که بنگاه در حال اخلال در بازار است، مدت اعتبار آن را کاهش دهد؛ ولی در صورت دست شستن بنگاه از رویه‌های ضد رقابتی، مدت حمایت کاسته شده اعاده شود. (صادقی و شمشیری، ۱۳۹۰: ۶۴ به بعد) به نظر می‌رسد که به دلیل عدم شناخت و پذیرش قاطع و جامع نظریه، طبیعتاً قانون ضمانت‌اجرائی برای سوءاستفاده از اختراع در نظر نگرفته است و تمهیدات مقرر صرفاً از منظر مقابله با اقدامات مخل رقابت، عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری، لازم‌الاجرا نخواندن شرط مخل رقابت و ابطال قراردادهای توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری را پیش‌بینی کرده است؛ تدابیری که در حقیقت تعلق به حیطه سوءاستفاده از اختراعات ندارند.

۲-۳- اصول و قواعد عام نظام حقوقی ایران

در نگاه نخست این‌طور به نظر می‌رسد که اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق و قاعده لاضرر برای توجیه نظریه سوءاستفاده از حق اختراع در حقوق ایران، به‌عنوان یک مبنای عمومی قابل استناد هستند. سوءاستفاده از حق عبارت است از، شرایطی که شخص فعل مباحی را در حدود حق خویش انجام می‌دهد، ولی هدف از آن ضرر زدن به دیگران است و نه رفع احتیاج خود. (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۱۵؛ ره‌پیک، ۱۳۸۲: ۶۶) در نظر بعضی نویسندگان برخی اشکال سوءاستفاده از حق اختراع با اتکا به موازین اصل ۴۰ قانون اساسی ممنوع انگاشته می‌شوند؛ (صادقی و امینی، ۱۳۹۱: ۶۱) همچنین، در ارتباط با قاعده لاضرر می‌توان گفت، فقها از قاعده لاضرر به‌عنوان حکم ثانویه و محدودکننده برای نفی احکام ضرری بهره‌جسته‌اند اما درخصوص اثبات حکم به مدد این قاعده، مناقشات و اختلافات زیادی وجود دارد. (رضائی راد ۱۳۸۹: ۶۶ به بعد)

اگرچه ممنوعیت سوءاستفاده از حق به اتکای اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده لاضرر برای محکومیت سوءاستفاده از اختراع، محملی فراهم می‌کند، اما نباید از بُعد کلی راهکارهای مزبور به سادگی گذشت که نمی‌تواند نظام‌بخش به زوایای خاص سوءاستفاده از حق اختراع باشد. با غفلت از چنین مسئله مهمی، دادگاه‌ها خود را آزاد به مقابله همه‌جانبه با اقدامات دارنده اختراع خواهند دید. چنین رویکرد ناصوابی که بازشناسی اقدامات مشروع از نامشروع را دشوار می‌کند، فارغ از اینکه موجب برخورد سلیقه‌ای محاکم با این موضوع می‌شود، ضرورت تدارک موازین خاص برای مقابله با سوءاستفاده دارندگان اختراع را به تأخیر می‌اندازد که آثار سوء آن به تدریج نمایان خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نظام حقوق مالکیت فکری ضمن فراهم نمودن حمایت‌هایی برای مبدعان، بستر مستعدی را نیز برای سوءاستفاده از حقوق انحصاری اعطایی مهیا نموده است. راه‌حل نظام حقوقی آمریکا در برخورد با این سوءاستفاده‌ها، نظریه پرچالش سوءاستفاده از حق اختراع است که در مسیر توسعه خود، با ورود برخی هنجارهای حقوق ضد انحصار مواجه و آمیخته شده است. با وجود این، غالب صاحب‌نظران حقوقی و دادگاه‌های امریکایی علی‌رغم فراز و فرودها و اصلاحات و تعدیلات، کوشیده‌اند تا نظریه را به موازات رهیافت‌های حقوق رقابت پیش برده و استقلال آن را حفظ کنند؛ چراکه آن را به‌عنوان راهکاری مستقل و مؤثر در نظام اختراعات

به منظور مقابله با زیاده‌خواهی صاحب اختراع از مجرای گسترش بدون وجه حقوق انحصاری اعطایی و خروج از قلمرو اختراع، به رسمیت شناخته‌اند. رأی اخیر دیوان عالی امریکا نیز گواهی بر این مدعاست.

به نظر می‌رسد نظام‌های اختراع و رقابت ایران از موازین مرتبط و ظرفیت و کارایی لازم برای مقابله با سوءاستفاده دارنده اختراع بی‌بهره باشند و عدم عنایت به برخی رویه‌های سوءاستفاده‌آمیز که به‌خصوص در قراردادهای لیسانس مجال بروز می‌یابند، از موشکافی نظام‌های اختراع و رقابت مصون مانده است؛ به بیان دقیق‌تر صرف‌نظر از اینکه بسیاری از مصداق‌های خاص سوءاستفاده از اختراع را نمی‌توان در مقررات و رویکردهای عام مقررات رقابتی یافت، در نظام اختراعات نیز نشانی از آن‌ها دیده نمی‌شود و این کاستی می‌تواند فرصتی برای دارندگان اختراع فراهم آورد که با تعمیم ناروای حقوق خود، منافع سایر فعالان و حتی کلیت بازار را به مخاطره اندازند.

شناسایی نظریه سوءاستفاده از اختراع متضمن این جنبه مثبت است که بُنگاهی که از این اعمال زیان می‌بیند، نیازی به اثبات این امر که بخش قابل توجهی از بازار تحت تأثیر این اقدامات قرار گرفته و اخلال در رقابت رخ داده است، نداشته و صرف آنکه در مقام دفاع نشان دهد که دارنده اختراع از جایگاه قانونی خود خارج شده و از موقعیت خود سوءاستفاده کرده و لطماتی به او وارد ساخته و تلاش کرده است تا منفعت عمومی در محدود بودن حقوق انحصاری اعطا شده را زیر پا بگذارد، برای نیل به مقصود کفایت می‌کند. با چنین تدبیری دارندگان اختراع نیز خود را در استفاده آزاد نخواهند دید و در مرزهای پیش‌بینی شده قانونی باقی خواهند ماند. بنابراین چه در قالب پذیرش نظریه سوءاستفاده از اختراع و ملزومات آن و چه در هر قالب دیگری - به استثنای انگاره‌های حقوق رقابت که مقتضیات خاص خود را دارند - ضرورت دارد که نظام اختراعات در مقابله با اشکال مختلف سوءاستفاده، تمهیداتی جامع و دقیق کنترل‌کننده تدارک ببیند و با مقرر داشتن تدابیری نظیر لازم‌الاجرا نخواندن موقت حقوق اختراعی در بازه‌ای که دارنده به سوءاستفاده می‌پردازد و حتا منع از بهره‌برداری از حقوق انحصاری برای یک مدت زمان معقول بعد از ترک سوءاستفاده - در راستای مقاصد بازدارندگی و همچنین معاف کردن طرف زیان‌دیده از پرداخت هزینه‌های ناشی از بهره‌برداری از اختراع - دارنده را به سمت گستره حقوق قانونی خود سوق دهد. به نظر می‌رسد در ترسیم این چارچوب، برخلاف رویکرد غالب حقوق امریکا، ضرورتی بر تأکید بر وجود عنصر قدرت بازاری دارنده اختراع نمی‌رود؛ چراکه این

تمهید را باید در هنگام ارزیابی‌های رقابتی رفتار دخیل دانست و در حیطه اختراعات، صرف توجه به رفتاری که نوعی سوءاستفاده قلمداد شده و لزوم تحدید آن مبرهن است، باید نقطه عزیمت و تمرکز دادگاه‌ها باشد. افزون بر این از یک‌سو نباید با سخت‌گیری بیش از اندازه حقوق دارنده را محدود کرد و انگیزه‌های نوآوری و نقش آن در توسعه تکنولوژیک که از اولویت‌های کشورمان است را نادیده گرفت و از دیگر سو نباید طریق تسامح و مضیق گرفتن دایره سوءاستفاده را در پیش گرفت که عملاً به دارنده قدرت و اختیاراتی بیش از آنچه نظام استاندارد اختراعات اعطا کرده است، تفویض نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌نامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

۱. رضائی راد، عبدالحسین (۱۳۸۹)، «گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر»، *مجله حقوق اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۵، دوره تابستان، صص ۶۳-۸۹.
۲. رهبری، ابراهیم؛ چالشتری، محمود (۱۳۹۴)، «امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس اختراع؛ تأملی تطبیقی در رهیافت‌های حقوق رقابت آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران»، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال بیست‌ودوم، شماره ۷، دوره بهار و تابستان، صص ۲۲-۴۸.
۳. ره‌بیک، سیامک (۱۳۸۲)، «منع سوءاستفاده از حق در نظریه‌های حقوقی و مفاهیم قرآنی»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۶۲، دوره زمستان، صص ۶۳-۷۶.
۴. صادقی، محسن؛ شمشیری، صادق (۱۳۹۰)، «نقد قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران (قانون خصوصی‌سازی) از منظر رابطه مالکیت فکری و حقوق رقابت»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۳۳، دوره تابستان، صص ۱۳۷-۱۶۸.
۵. صادقی، محمود؛ امینی، مهدی (۱۳۹۱)، «موجبات و آثار ابطال گواهینامه حق اختراع»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، شماره ۱، دوره ۳، بهار و تابستان، صص ۵۵-۷۲.
۶. کانونیان، ناصر (۱۳۸۸)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ ۶۲، تهران، شرکت سهامی انتشار.

الف-۲: لاتین

7. Arar, Roger (1981), "Redefining Copyright Misuse", *Columbia Law Review*, Vol.81, No.6, pp. 1291-131.
8. Barr, Camille (2011), License to Collude Patent Pools, the Patent Misuse Doctrine, and Princo, University of California, Davis, Vol. 45: pp. 631-664.
9. Blair, Roger; Sokol Daniel (2014), *The Oxford Handbook of International Antitrust Economics*, Vol. 2, UK: Oxford University Press.
10. Bohannon, Christina (2011), "IP Misuse as Foreclosure", *Iowa law review*, Vol.96, pp475-527.
11. Burchfiel, Kenneth J (1991), "patent misuse and antitrust reform: blessed be the tie?", *Harvard Journal of Law & Technology*, Vol.4, pp. 1-107.
12. Chiapetta, Vincent (2011), "Living with Patents: Insights from Patent Misuse", *Marquette Intellectual Property Law Review*, Vol.15, Issue.1, pp. 2-70.

13. Cotter, Thomas F (2007), "Misuse", *Houston Law Review*, Vol. 44, pp. 901-964.
14. Curley, Duncan (2004), *Intellectual Property Licenses and Technology Transfer A Practical Guide to the New European Licensing Regime*, UK: Chandos Publishing.
15. Davidow, Joel (2010), *Patent Related Misconduct Issues in U.S. Litigation*, UK: Oxford University Press.
16. Dratler, Jay (2005), *Licensing of Intellectual Property*, USA: Law Journal Press.
17. Durham, Alan L (2009), *Patent Law Essentials: A Concise Guide*, USA: Praeger Press.
18. Fisher, Larry R (1967), "the Misuse Doctrine and Post Expiration-Discriminatory-and Exorbitant Patent Royalties", *Indiana University School of Law*, Vol.43, Issue.1, pp. 106-129.
19. Hovenkamp, Herbert, Lemley, Mark A (2009), *IP and Antitrust: An Analysis of Antitrust Principles Applied to Intellectual Property Law*, Germany: Wolters Kluwer Law & Business.
20. Kobak, James B (2000), *Intellectual Property Misuse: Licensing and Litigation*, USA: American Bar Association.
21. Leaffer, Marshall (2010), "patent misuse and innovation", *journal of high technology law*, Vol.10, pp. 142-167.
22. Leslie, Christopher (2011), *Antitrust Law and Intellectual Property Rights: Cases and Materials*, USA: Oxford University Press.
23. Lim, Daryl (2011), "misconduct in standard setting: the case for patent misuse", *IDEA-The Intellectual Property Law Review*, Vol.51, pp. 557- 605.
24. Lim, Daryl (2013), *Patent Misuse and Antitrust Law: Empirical, Doctrinal and Policy Perspectives*, USA: Edward Elgar Publishing.
25. Lim, Daryl (2014), "Patent Misuse and Antitrust: Rebirth or False Dawn?", *Michigan Telecommunications and Technology Law Review*, Vol.20, Issue.2, pp. 299-389.
26. Lim, Daryl (2016), *Revisiting the patent misuse doctrine, The innovation society and intellectual property*, USA: Edward Elgar Publishing.
27. Marina, Lao (2000), "Unilateral Refusals To Sell Or License Intellectual Property And The Antitrust Duty To Deal", *Cornell Journal Of Law And Public Policy*, Vol.9, pp. 193-221.
28. Miller, Roger (2016), *Business Law: Text & Cases*, USA: Cengage Learning.
29. Nguyen, Tu Thanh (2010), *Competition Law, Technology Transfer and the TRIPS Agreement*, USA: Edward Elgar Publishing, Inc.

30. Oliver, Geoffrey D (2011), "Princo v. International Trade Commission: Antitrust Law and the Patent Misuse Doctrine Part Company", *Antitrust Magazine*, Vol.25, Issue.2, pp. 62-68.
31. Silverman, Arnold (1992), "Patent Misuse: Limitations on a Patentee's Rights", *Journal of the Minerals, metals, and Materials Society*, Vol. 44, pp. 54-87.
32. Webb, Jere M; Locke, Lawrence A (1991), "intellectual property misuse, developments in the misuse doctrine", *Harvard journal of law & technology*, Vol.4, pp. 257- 323.
33. White, Katherine E (2001), "A Rule for Determining When Patent Misuse should be applied, Fordham Intell. prop.", *media & ENT. L.J*, Vol.11, pp. 671-710.

